

واکاوی رفتار مجرمانه ناشی از انتقال بیماری کرونا

محمد ابراهیم شمس ناتری *

امیر باقرزاده گان **

محمد مظفری ***

چکیده

در حال حاضر بیماری کرونا که ناشی از ویروسی نوظهور و واگیردار است، در حال افزایش بوده و باعث مرگ تعداد قابل توجهی از افراد شده است. در این میان، تحلیل رفتار فرد ناقل و بررسی مسئولیت وی مدت‌هاست مورد توجه دولت‌ها، جوامع، رسانه‌ها و حقوق دانان است. آنچه که به این توجه دامن می‌زند عوارض سنگین انتقال ویروس و نبود راه درمان مشخص است. به خاطر همین عوارض، سیاستمداران در کشورهای مختلف بر آن هستند تا با برخوردهای قهری و سختگیرانه جلوی پیشرفت این پاندمی را بگیرند که یکی از اقدامات مؤثر، واکنش کیفی در مقابله با ناقلین کرونا می‌باشد که برای نیل به این مقصود توجه به رفتار فرد ناقل و تحلیل آن و در نهایت تطبیق آن با قوانین کیفی موجود، جهت اقدام به هنگام ضروری می‌نماید. در این مقاله سعی بر تعیین مسئولیت فرد در صورت انتقال ویروس کرونا بوده و با بررسی جرایم مختلف در

* دانشیار حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق پردیس فارابی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول: eshams@ut.ac.ir).

** دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی پردیس فارابی دانشگاه تهران و مربی دانشگاه پیام نور.

*** دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده آزاد اسلامی واحد قم.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۲۰

این حوزه سعی بر ارائه دیدگاهی مبسوط در تحلیل رفتار و پیامدهای آن در اثر انتقال ویروس خواهد بود. البته در این میان توجه به ویژگی‌های ویروس به‌ویژه کشنده بودن آن نیز، جای دقت دارد که سعی خواهد شد، به تناسب به آن‌ها پرداخته شود.

کلیدواژه‌ها: تسبیب، قتل، تهدید علیه بهداشت عمومی، انتقال ویروس، کرونا.

مقدمه

تحلیل فقهی - حقوقی رفتار فرد ناقل در حالات مختلفی که ویروس به دیگران سرایت می‌کند علاوه بر بینش لازم در این دو زمینه، نیاز به آشنایی تخصصی با ویروس کرونا دارد. در این راستا توجهی ولو اندک، به ابعاد این بیماری مفید می‌نماید. بیماری کرونا جزء دسته بیماری‌های واگیردار محسوب می‌شود. بی احتیاطی در برابر این بیماری‌ها سبب ابتلای افراد خواهد شد (پارسای، بی تا: ۱۵). ویروس کرونا یک ویروس سندرم حاد تنفسی است. دوره نهفتگی ویروس بین ۲ تا ۱۴ روز است و در این مدت مسری می‌ماند (karimi, 2020 و talmazan, 2020) میزان انتقال‌پذیری ویروس بین انسان‌های مختلف متغیر بوده‌است، به طوری که برخی از افراد مبتلا، این ویروس را به دیگران منتقل نمی‌کنند، در حالی که برخی دیگر توانستند این عفونت را به چندین نفر گسترش دهند (Schnirring, 2020) تاکنون گزارش شده‌است که کروناویروس جدید قادر به انتقال زنجیره‌ای تا چهار نفر است (Hesman, 2020). بیشتر افراد یعنی چیزی حدود ۸۰ درصد آن‌ها، بدون نیاز به درمان خاص از این بیماری بهبود می‌یابند. درصد پایینی از مبتلایان به این بیماری با علائم شدید تب و سرفه و مشکل در تنفس نیازمند مراقبت پزشکی می‌باشند (وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی، ۱۳۹۸: ۱۱). آنچه که کرونا را از سایر امراض واگیردار متمایز می‌کند ناشناخته بودن ویروس و شیوع سریع آن است، در نظم حقوقی کنونی که انتقال ویروس کرونا به صورت خاص جرم انگاری نشده است، بررسی و تطبیق دقیق این مصادیق با عناوین مختلف مجرمانه مندرج در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و سایر قوانین جزایی، دارای اهمیت مضاعفی می‌باشد، بنابراین بعد از بیان مباحث مقدماتی در ادامه به بررسی جرایم مختلف بر اثر انتقال ویروس کرونا و امکان‌سنجی محکومیت فرد بر اثر انتقال این ویروس به جرایم مختلف با نظر به نقش آفرینی در حالات و توسط افراد متفاوت خواهیم نمود.

در زمینه‌ی بیماری‌ها به‌ویژه بیماری‌های واگیردار از جنبه‌ی حقوقی تا به حال به صورت کلی یا مصداقی تحقیقات چندی به انجام رسیده است از جمله مقاله یکی از نگارندگان و همکارانش در زمینه‌ی نحوه‌ی احراز مسئولیت کیفری در بیماری‌های واگیردار که در آنجا بر روی بیماری‌های واگیر به صورت کلی مانور داده شده یا این که در مقالاتی که به صورت خاص روی یک بیماری واگیردار مانور داده‌اند می‌توان به مسئولیت کیفری ناشی از انتقال ایدز منتسب به آقای احسان-پور اشاره کرد، اما در زمینه‌ی کرونا هرچند تقریباً در یک سال گذشته آثاری به چاپ رسیده است از جمله بررسی مسئولیت ناشی از انتقال بیماری واگیر و ویروس نوشته‌ی آقای محمدی جورکویه اما این اثر به مانند مقاله نحوه‌ی احراز مسئولیت کیفری در بیماری‌های واگیردار بیشتر حائز مطالب و نکات کلی در زمینه‌ی انتقال ویروس‌ها می‌باشد و چندان موشکافانه به مقوله ویروس کرونا نپرداخته و فقط با بیان امهات فقهی موضوع، دقتی از این جهت داشته است یا این که در سایر مقالات در زمینه‌ی کرونا هر یک از جهتی به موضوع توجه داشته‌اند اما هیچ یک به صورت خاص به تحلیل رفتار در زمینه‌ی انتقال ویروس کرونا و عناوین مجرمانه‌ای که در این میان محقق خواهد شد نپرداخته‌اند که در این مقاله سعی خواهد شد به تحلیل رفتار شخص ناقل از دو بعد فقهی و حقوقی پرداخته شود.

در این مقاله از روش تحلیلی - تبیینی استفاده گردیده است و سعی شده است ضمن توجه و تبیین مسئله کرونا از بُعد تخصصی و پزشکی البته در حد ضرورت و نیاز، به تحلیل موضوع از دو جنبه‌ی فقهی و حقوقی پرداخته شود به نحوی که ضمن توجه به ابعاد گوناگون قضیه، خروج موضوعی نیز رخ نداده باشد و مطالب درخور و مفیدی در زمینه‌ی تحلیل رفتار فرد ناقل ویروس کرونا ارائه گردد. به همین خاطر در ابتدا به توضیح مختصری راجع به بیماری کرونا پرداخته شد و در ادامه به تحلیل جرایم ناشی از رفتار فرد ناقل پرداخته می‌شود و در این میان جرایم احتمالی دسته‌بندی شده و مطابق با فقه و قانون مجازات اسلامی در سه دسته‌ی حدود، قصاص و جرایم مستوجب تعزیر جرایم ارتكابی به بحث و بررسی گذاشته خواهند شد تا تحلیلی به نسبت کامل از جنبه‌های مختلف رفتار در زمینه انتقال بیماری کرونا صورت گرفته باشد.

برای ارائه دیدی مطلوب به عملکرد فرد ناقل توجه به موضوع به صورت توأمان هم از جنبه‌ی پزشکی و هم از جنبه‌ی فقهی - حقوقی ضرورت دارد، به همین خاطر در ادامه

باتوجه به دست‌آوردها و اطلاعاتی که تا به حال از بیماری کرونا در دسترس هست و منطبق با فقه پویا و قانون مجازات اسلامی جلوه‌های مختلف رفتار فرد ناقل در قالب جنایات ارتكابی ناشی از انتقال ویروس کرونا و همچنین جرایم تعزیری قابل بحث در انتقال بیماری به بحث گذاشته می‌شوند و امکان وقوع جرایم حدی ناشی از انتقال ویروس نیز مورد مذاقه قرار می‌گیرند و البته به بحث ضمان شرعی و پرداخت دیه نیز در خلال مباحث پرداخته می‌شود تا تمامی آن چه از عناوین مجرمانه و مسئولیت مدنی در تحلیل رفتار فرد ناقل امکان وقوع دارد به بحث گذاشته شده باشد.

۱. جنایات ارتكابی بر اثر انتقال ویروس کرونا

در اثر انتقال ویروس کرونا برخی از جنایات امکان تحقق دارند. هر یک از این جرایم، بسته به نتایج محقق از انتقال ویروس رخ خواهند داد که باتوجه به رکن روانی موجود به سه قسم عمدی، شبه عمدی و خطای محض منقسم می‌گردند که در ادامه هر یک از این موارد به تفکیک موضوع بحث و بررسی قرار خواهند گرفت.

۱.۱. قتل

مسئولیت کیفری در شرع اسلام عبارت است از آن که انسان نتایج آن دسته از اعمال ممنوعه‌ای را که با اختیار و آگاهی از محتوا و نتایج آن مرتکب می‌شود را تحمل نماید (عوده، ۱۴۰۵: ۳۹۲)، در مورد مسئولیت کیفری ناشی از انتقال ویروس کرونا سؤالی که به شدت ذهن را درگیر خود می‌کند، امکان تحقق قتل بر اثر انتقال ویروس یا بهتر می‌توان گفت استناد آن به ناقل ویروس است؟ ارتكاب قتل منوط به وجود دو رکن مادی و معنوی است، و تا این دو رکن آن هم مقارن یکدیگر در زمان رخ ندهند صحبت از ارتكاب جرم بی‌معناست، به عنوان مثال ممکن است که شخص قصد کشتن داشته باشد؛ اما صرف قصد کشتن نمی‌تواند کافی باشد و مادامی که قصد به مرحله فعلیت نرسد و عنصر مادی محقق نشود حتی اگر با خواست شخصی انسان دیگر کشته شود، نمی‌توان فرد را قاتل به حساب آورد (شمس ناتری، ۱۳۹۵) مثلاً شخص دعا کرده باشد تا دیگری بر اثر انتقال ویروس کرونا بمیرد و این اتفاق نیز افتاده باشد، در این فرض نمی‌توان او را قاتل محسوب نمود (شمس ناتری، ۱۳۹۹). منظور از رفتار مجرمانه، در اینجا، عبارت است از تمامی رفتارهایی است که موجبات انتقال

ویروس را فراهم می‌کند. رفتار مجرمانه می‌تواند به صورت مادی یا معنوی یا همان اصابتی و غیراصابتی باشد، برخی از رفتارها اصابتی است به‌عنوان مثال شخص چاقو را در سینه شخص دیگر وارد می‌کند (شمس ناتری، ۱۳۹۹)، اما فعل معنوی یا غیراصابتی فعلی است که بدون تماس جسمی جانی با مجنی علیه واقع شده و اثری بر روی جسم مجنی علیه باقی بگذارد (پور بافرانی، ۱۳۸۸: ۲۱). باتوجه‌به شیوه انتقال ویروس، به ذهن می‌رسد که انتقال ویروس کرونا عموماً از طریق فعل معنوی صورت می‌گیرد. در قانون مجازات اسلامی، قانون‌گذار در مواد ۲۹۰ تا ۲۹۲ به بیان صور مختلف جنایت و از جمله قتل بر مبنای رکن روانی پرداخته و توجهی نیز به فعل مجرمانه داشته است که این اشاره به رکن مادی در جهت احراز رکن روا نیست:

۱.۱.۱. قتل عمد

رکن معنوی یکی از پایه‌های اساسی در جرایم عمدی است و به نیت باطنی و خاص مجرمانه‌ی مرتکب تعبیر شده به‌نحوی که طی آن اراده فرد متوجه انجام رفتار ممنوع و تحقق نتیجه‌ای است که از طرف قانون‌گذار جزایی جرم قلمداد شده است (صادقی، ۱۳۸۷: ۱۰۵). مقنن در شروع باب قصاص به بررسی جنایات از منظر رکن معنوی اقدام نموده است براین‌اساس باتوجه‌به ماده ۲۹۰ ق.م.ا. در چهار صورت جنایت قتل را عمدی می‌توان تلقی نمود:

الف) هرگاه فرد قصد کشتن دیگری را داشته باشد، بر همین مبنا، بستری فردی در بیمارستان و در بخش بیماران کرونایی با قصد قتل و با وجود آگاهی به وجود ویروس و در نتیجه مرگ فرد بستری شده، موجب محکومیت به قتل عمدی خواهد بود. در مواردی که مرتکب قصد کشتن فردی را داشته باشد و عملاً به نتیجه خود برسد بدون توجه به نوعاً کشنده بودن رفتار، قتل، عمدی محسوب می‌شود (شهید ثانی، بی‌تا: ۱۹) زیرا قصد قتل، خود برای اثبات وصف عمد به فعل فاعل کافی دانسته شده است (حر عاملی، بی‌تا: ۱۹۹).

ب) عمل مرتکب نوعاً کشنده باشد ولو قصد کشتن دیگری را نداشته باشد، در این حالت قصد جنایت تبعی است. این نوع از قتل عمدی آن‌چنان اهمیت دارد که حتی برخی از حقوق‌دانان بر این باورند که لازمه تحقق قتل عمدی همواره کشنده بودن رفتار مجرمانه است (نجیب حسنی، ۱۹۹۲: ۳۶۲). «در این صورت فعل ارتكابی باید از چنان خصوصیتی برخوردار باشد که به‌موجب آن بتوان قصد مجرمانه را مفروض قلمداد نمود» (صادقی، ۱۳۸۲: ۱۱۳). به‌عنوان مثال

قطع برق بیمارستان که منجر به عدم رسیدن اکسیژن به بیماران کرونایی بدحال می‌شود، یک عمل نوعاً کشنده محسوب می‌شود.

در انتقال ویروس کرونا آن چه ذهن را درگیر خود می‌نماید، کیفیت نوعاً کشنده بودن این ویروس می‌باشد، این که ویروس می‌تواند باعث مرگ افراد می‌شود مقوله ایست مورد اتفاق، اما مرگ چند درصد افراد؟ سوپه اولیه ویروس، نهایتاً منجر به مرگ ۳ درصد مبتلایان می‌گشت (هادی، ۱۳۹۸: ۷) به‌مرور که ویروس با تغییرات، خطرناک‌تر گردید و اصطلاحاً جهش‌یافته و مسری‌تر شد دیگر فقط نسبت به افراد مسن یا دارای بیماری زمینه‌ای کشنده نبود؛ بلکه نسبت به جوانان و اطفال نیز کشنده محسوب می‌شد (مصاحبه با وزیر بهداشت، ۱۴۰۰/۳/۱۷، <https://www.mehrnews.com/news/5161198>)، اگر این فرض را صحیح تلقی کنیم ویروس کرونای انگلیسی یا آفریقایی یا هندی که بعضاً با عناوین علمی آلفا و دلتا از برخی از آن‌ها نام برده شده، ویروس‌هایی نوعاً کشنده محسوب می‌شوند؛ اما در مقابل زمانی که به آمارها نگاه می‌کنیم می‌بینیم که ویروس کرونا هر چقدر هم که جهش یافت و حتی منجر به مرگ کودکان و افراد جوان گردید؛ اما باز در عمل، اکثر افراد بعد از ابتلا به ویروس از آن جان سالم به در بردند، بنابراین شاید جمع بین نظرات متخصصان و آمارها این باشد که این ویروس به‌صورت بالقوه می‌تواند کشنده محسوب شود؛ اما اگر اقدامات مناسب در پیش گرفته شود که بنا بر توصیه پزشکان و تأکید رهبر معظم انقلاب، تقویت سیستم ایمنی بدن یکی از اقدامات کلیدی در این راستا محسوب می‌شود، راه درمان و خلاصی نیز باز است و این نیست که اکثر افراد مبتلا بر اثر انتقال ویروس از دنیا بروند ولو این ویروس از نوع انگلیسی یا آفریقایی آن باشد. با عنایت به احتمال مرگ، باید نتیجه گرفت ویروس کرونای جهش‌یافته، باتوجه‌به این که به‌صورت بالقوه کشنده محسوب می‌شود و اگر اقدامات پیشگیرانه و درمانی لازم صورت نگیرد، ممکن است منجر به مرگ انسان ولو فرد جوان شود و از آن جا که حتی عدم انجام اقدامات درمانی که البته اکثر اوقات به‌خاطر نهفتگی بیماری است مقتضای مرگ را به وجود نمی‌آورند؛ بلکه مقتضای مرگ در واقع همان انتقال ویروس می‌باشد و عدم درمان فقط حکم عدم مانع را دارد و تأثیری در استناد قتل به ناقل ندارد، بنابراین شاید بتوان گفت انتقال ویروس با علم ابتلای خود و قصد انتقال، عملی نوعاً کشنده محسوب می‌شود. باین‌وصف به‌عنوان‌مثال، اگر

متهم با علم از وضعیت ابتلای خود به ویروس کشنده، اقدام به همنشینی و انتقال ویروس به دیگری نماید، هرچند که قصد قتل وی را نیز نداشته باشد؛ اما نظر به کشنده بودن عمل، مطابق بند ب ماده ۲۹۰ ناقل محکوم می‌گردد.

ج) عمل فرد نوعاً کشنده نباشد؛ ولی نسبت به مجنی علیه به‌خاطر بیماری، پیری، ضعف یا هر وضعیت خاص زمانی یا مکانی دیگر در عمل باعث قتل شود. این حالت موجب تشکیل قصد تبعی البته به‌صورت نسبی می‌گردد؛ مانند این که فردی با علم ابتلای فردی به ایدز، اقدام به انتقال ویروس کرونا، حال با هر سویه‌ای، به وی می‌نماید که در این حالت اگر منتقل الیه بر اثر دریافت ویروس کرونا از دنیا برود، عمل «الف» قتل عمدی تلقی خواهد گردید.

اطلاع مرتکب از وضع موجود، باید توسط اولیای دم در محکمه ثابت گردد (خمینی، ۱۳۹۰، ج۲: ۵۱۰) که این مسئله در تبصره‌ی ۲ ماده ۲۹۰ ق.م.ا. ۱۳۹۲ مورد تأکید قرار گرفته است.

د) «هرگاه مرتکب قصد ایراد جنایت واقع شده یا نظیر آن را داشته باشد بدون آن که فرد یا جمع معینی مقصود وی باشد و در عمل نیز جنایت مقصود یا نظیر آن واقع شود»، مانند این که فردی که مبتلا به ویروس بیماری کشنده‌ای می‌باشد با ناامیدی از زندگی، موضعی منفی نسبت به جهان و انسان‌ها پیدا می‌نماید و تمام تلاش خویش را مصروف ابتلای دیگر افراد به این ویروس مهلک می‌کند. در این فرض شخصی که مبتلا می‌شود در نظر فرد بیمار اهمیتی ندارد و تنها خواست او ابتلای افراد دیگر به این ویروس می‌باشد. در این حالت عمل فرد در صورت فوت دیگران مشمول بند ت ماده ۲۹۰ ق.م.ا. ۱۳۹۲ شده و مستحق قصاص می‌باشد.

«برای اینکه بتوانیم کسی را در قبال آسیب‌های ناشی از انتقال ویروس مسئول بدانیم باید وجود رابطه استناد بین رفتار و عوارض به وجود آمده و در نهایت مرگ ناشی از آن را اثبات کرد» (فروغی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۳۲). «رابطه استناد رابطه‌ای مادی و علمی است که متأثر از شرایط حاکم بر عنصر مادی بوده و این رابطه می‌بایست، به‌صورت علمی محرز شود»، در این بین عده‌ای عقیده دارند، عرف بین رفتار متهم و مرگ مجنی علیه رابطه علیت برقرار می‌کند، هرچند از نظر مادی نتوان بین این دو رابطه علیت برقرار کرد (شاکری و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۰۷). برخی فقها نیز صریحاً به نقش عرف در استناد جنایت به رفتار جانی تأکید داشته‌اند (محقق حلی، ۱۴۰۳: ۱۹۶). مطابق این دیدگاه، اگر از نظر عرف بین اقدام انجام شده و نتیجه رابطه‌ای برقرار باشد به گونه‌ای که بتوان به

آن استناد نمود، مرتکب از نظر حقوق جزا مسئول است (الهی منش و دیگران، ۱۳۹۲). به‌طور کلی در جرمی مثل قتل هرگاه عمل قاتل علت منحصربه‌فرد حصول نتیجه باشد یا به‌تنهایی دخالتی در ایجاد نتیجه داشته باشد، قاتل مسئول نتیجه عمل خود است (شامبیاتی، ۱۳۸۴: ۱۴۹)؛ بنابراین در صورت انتقال ویروس با علم و عمد به دیگری و مرگ وی در اثر انتقال ویروس مشکلی در احراز عنوان مجرمانه‌ی قتل و انتساب آن به شخص قاتل وجود ندارد. کمالینکه یکی از مراجع تقلید فتوا به قاتل بودن کسی صادر کردند که دانسته یا ندانسته به‌رغم ابتلای خود به کرونا در مجامع ظاهر شده و باعث ابتلای دیگران به کرونا گردیده است که در صورت علم به ابتلا و حضور در مجامع، قتل او عمدی و در غیر این صورت غیرعمدی خواهد بود (سیستانی، <https://iqna.ir>، ۱۴۰۰/۳/۹). با این حساب همین که اصل انتقال از فرد مبتلا به دیگری محرز شد ولو این که این انتقال غیرعمدی بود مشکلی در مسئولیت ناقل وجود نخواهد داشت، و این حکم حتی شامل حالتی می‌شود که فرد به اختیار ولو بدون علم به ابتلا در سطح جامعه تردد می‌کند و با اعمال حتی غیرارادی خود مانند سرفه کردن اقدام به انتقال ویروس به دیگران می‌نماید. ادله‌ی روایی نیز بر این امر دلالت دارند که اگر احتمال عقلایی انتقال بیماری به دیگری وجود داشته باشد، فرد بیمار نباید با فرد سالم ارتباط برقرار کند. در حدیثی از رسول گرامی اسلام آمده است: «لَا يُورَدُ مَرِيضٌ عَلَىٰ مُصْحَحٍ»، یعنی ناقل بیماری بر شاخص سالم وارد نمی‌شود (شهید اول، بی‌تا، ج ۴: ۳۹). این حدیث را می‌توان شاهدی بر قاعده‌ی لزوم دفع ضرر محتمل لحاظ دانست (احسانی‌فر، ۱۳۹۹: ۱۵۸) که باتوجه‌به قاعده‌ی مذکور افراد در موارد بیم مبتلا بودن و انتقال ویروس باید از تردد و ارتباط با دیگران پرهیز نمایند.

۱.۱.۲. قتل شبه‌عمد

در تعریف قتل شبه‌عمد بیان شده، قتلی که فاعل در آن قصد فعل دارد؛ اما قصد نتیجه که همانا کشتن دیگری است ندارد و عمل هم نوعاً کشنده نیست، قتل شبه‌عمد محسوب می‌گردد (مرعشی، بی‌تا: ۱۰۸). وجود یا فقدان خطای جزایی در تحقق جنایت شبه‌عمد مگر در جنایات سببی، هیچ تأثیری نداشته و جانی به‌رغم رعایت کلیه ضوابط هم‌چنان مسئول است؛ مانند عملیات پزشکی (صادقی، ۱۳۸۲: ۱۸۷). البته اگر خطای در رفتار مشاهده شود عمل طبعاً با قیاس اولویت شبه‌عمد محسوب می‌شود.

در مصداقی که عمل نوعاً کشنده باشد مثل انتقال ویروس مهلک که با درمان واقعی و قطعی همراه نیست و باعث فوت می‌گردد، عمل قتل عمدی است. چنانچه مرتکب، نه قصد فعل واقع شده بر روی مجنی علیه را داشته باشد و نه قصد نتیجه را، اما درعین حال مرتکب تقصیر شده باشد، در این فرض طبق بند پ ماده‌ی ۲۹۱ جنایت وی شبه‌عمد خواهد بود (مصدق و دیگران، ۱۳۹۷: ۸). به‌عنوان مثال اگر کسی ماسک خود را درست بررسی نکند و درحالی که ماسک دارای سوراخ بوده از آن استفاده کند و همین امر باعث انتقال ویروس به دیگری و در نتیجه فوت وی می‌شود، می‌توان گفت مرتکب قتل شبه‌عمد شده است. در صورتی که شخص مبتلا ماسک خود را در سطل زباله انداخته و ویروس به شخصی که تفکیک زباله انجام دهد انتقال یافته باشد، آیا می‌توان گفت مرتکب قتل شده است یا اینکه عدم توجه به محتمل بودن انتقال آلودگی و علم فرد به این موضوع، سبب می‌شود، خود شخص باعث انتقال ویروس به خویش شناخته شده و شاید بتوان گفت، بر اساس قاعده‌ی دفع ضرر محتمل که مطابق آن انسان از هر چیزی که احتمال عقلایی ضرر در آن است اجتناب می‌نماید (مصطفوی، ۱۴۱۷: ۳۰۶) و همچنین عموم و اطلاق ادله‌ی حرمت خودکشی از جمله آیه ۱۹۵ سوره بقره^۱ و آیه ۳۰ سوره نساء^۲، این فرد، حداقل ناخواسته یا بر اثر تقصیر به‌نوعی اسباب مرگ خود را فراهم کرده است. همچنین فرض دیگری که در همین راستا مطرح می‌شود، حالتی است که فردی به‌رغم آگاهی از ابتلای فرد دیگر به کرونا و با وجود هشدار او به جلوگیری از تماس و ممانعت از این کار، اقدام به تماس و حتی در آغوش کشیدن فرد مبتلا می‌کند که در این فرض به‌رغم انتقال، فرد ناقل مسئولیتی نداشته و این منتقل الیه هست که با اقدام خود سبب ابتلا را فراهم آورده است؛ بنابراین در این حالت نیز بنا بر قواعد اقدام و تحذیر فرد ناقل مسئولیتی نخواهد داشت (محمدی جورکویه، ۱۳۹۹: ۲۱۳ و هوشمند فیروزآبادی، ۱۳۹۹: ۷۷).

برخی اقدامات همراه با تقصیر افراد شاغل در صنوف مختلف مانند آرایشگران، پزشکان، پرستاران و عوامل اورژانس و ... که سبب انتقال یا انتشار ویروس می‌گردد به‌موجب بند پ ماده ۲۹۱

۱. «لا تلقو بایدیکم الی التهلکه».

۲. «لا تقتلو انفسکم».

مشمول حکم قتل شبه‌عمد خواهد بود. البته در بسیاری از موارد کار ناشایستی که سبب ایجاد مسئولیت کیفری و مدنی می‌شود مشترک است. به عبارت دیگر یک تقصیر باعث ایجاد هر دو مسئولیت می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۴۲). تقصیر در تسبیب شرط ایجاد مسئولیت می‌باشد؛ اما در ائتلاف شرط نیست (روشن و صادقی، ۱۳۹۰: ۱۰۵). عدم رعایت اقدامات بهداشتی از جمله کتمان بیماری را می‌توان از موارد تقصیر برشمرد (یزدانیان، ۱۳۹۱: ۴۳). کسی که مقررات بهداشتی را رعایت نمی‌کند یا در صورت ابتلا به بیماری آن را کتمان می‌کند و از این طریق فرد دیگری مبتلای به کرونا می‌شود از باب ائتلاف مسئولیتی نخواهد داشت، اما از باب تسبیب در برابر ابتلای دیگران در صورت تقصیر مسئولیت خواهد داشت (محمودی، ۱۳۹۹: ۲۱۲). اگر شخصی که بیماری خود را کتمان نموده است هیچ تقصیری مرتکب نشود؛ اما در عین حال ویروس از او به بدن دیگری سرایت کند، هرچند از لحاظ کیفری مسئولیتی ندارد؛ اما در ضمان وی نسبت به پرداخت خسارت به فرد منتقل‌الیه تردیدی وجود ندارد (یزدانیان و تقفی، ۱۳۹۳: ۴۷). فقها نیز فتوا داده‌اند هرگاه فرد انتقال‌دهنده‌ی بیماری سبب مرگ منتقل‌الیه شود، مسئول پرداخت دیه وی می‌باشد (مکارم، ۱۴۲۹: ۲۳۰). در این میان هرچند عده‌ای معتقدند نفس انتقال ویروس به دیگران ضرر محسوب می‌شود و می‌توان فرد ناقل را مورد بازخواست قرار داد (یزدانیان و تقفی، ۱۳۹۳: ۴۷)، اما به نظر نفس انتقال ویروس به دیگران ضرر محسوب نشده و موجب ضمان و کیفر محسوب نمی‌گردد (محمودی، ۱۳۹۹: ۲۱۵) و باید انتقال منجر به ضرر معتنا به شود تا بتوان مرتکب را تحت تعقیب قرار داد.

۱. ۳. ۱. ۱. خطای محض

«قتل در صورتی خطای محض است که جانی نه قصد جنایت بر مجنی علیه و نه قصد فعل واقع شده بر او را داشته باشد» میرمحمد صادقی، (۱۳۸۹: ۱۲۴)؛ بنابراین به‌عنوان مثال اگر کسی در حالت مستی که باعث مسلوب‌الارادگی او شده و البته مستی حاصله، اختیاری و به‌منظور ارتکاب جنایت نیز نباشد و درحالی‌که مبتلا به کرونای انگلیسی هست، در جامعه حاضر شده و از این طریق ویروس بیماری را به دیگران منتقل نماید عمل او مشمول بند اول ماده مذکور شده و خطای محض به حساب می‌آید. اما باید توجه داشت در حالت مذکور اگر انتقال‌دهنده قبلاً خود را برای انتقال بیماری آماده یا مقدمات آن را فراهم کرده باشد و آگاهانه خود را مست نماید بنا بر تبصره ماده ۲۹۲ق.م.ا جنایت عمدی محسوب می‌شود. فقدان قصد نتیجه حاصله و فقدان قصد فعل نسبت به

مجنی علیه و فقدان تقصیر در صورتی کافی برای خطای محض بودن است که مرتکب متوجه و آگاهانه نباشد که اقدام او نوعاً موجب جنایت بر دیگری می‌گردد. در غیر این صورت اگر بداند که چنین اقدامی نوعاً موجب جنایت دیگری می‌شود جنایت عمدی است (آقایی‌نیا، ۱۳۹۲: ۱۱۵).

۱.۲. سقط جنین

از اصلی‌ترین عواملی که حیات جنین را تهدید می‌نماید ابتلای مادر به بیماری کرونا می‌باشد. اگر مادر به کرونا مبتلا شود هرچند خود شاید جان سالم به در برد، اما خطر سقط جنین بر اثر ابتلا به ویروس جدی‌ست. در واقع ویروس کرونا جزء نمونه‌های آشکار ویروس‌های کشنده به حساب می‌آید که جنین را در صورت ابتلا از پا در خواهد آورد؛ بنابراین اگر کسی خانم بارداری را هدف انتقال ویروس قرار دهد، و به این واسطه سبب سقط جنین یا آسیب وی شود، با مجازات‌هایی چون حبس تعزیری به‌خاطر سقط جنین موضوع ماده ۶۲۳ ق.م.ا. ۱۳۷۵، دیه ناشی از ضرب و جرح و سقط موضوع مواد ۷۱۶ و ۷۲۰ ق.م.ا. ۱۳۹۲ روبه‌رو خواهد شد.

۱.۳. ضرب و جرح

عده‌ای انتقال ویروس بیماری‌های واگیردار مانند کرونا را، مصداق ضرب و جرح ماده ۶۱۴ ق.م.ا. مصوب ۷۵ به حساب می‌آورند (مصیی، ۱۳۹۳: ۴). «در حقوق خارجی نیز در بعضی از ایالات استرالیا در کنار جرم‌انگاری‌های جدید درباره انتقال ویروس بیماری واگیردار، آن را با عناوینی مانند در معرض خطر قرار دادن بدون ملاحظه و یا صدمات بدنی شدید تطبیق داده‌اند» (AFAO, 2012). اگر در اثر انتقال ویروس آثاری همچون نقص عضو یا مرضی دائمی در فرد به وجود آید، شاید بتوان ادعا کرد ضرب و جرح صورت گرفته و عمل مشمول حکم ماده مذکور قرار گرفته است. البته این که این استدلال باتوجه به رأس ماده ۶۱۴ چقدر تاب استقامت دارد، محل بحث است؛ زیرا مطابق رأس ماده، فرد ابتدا باید به دیگری ضرب یا جرحی وارد آورد و بعد این اعمال منجر به ضایعات مندرج در ماده شود تا عمل قابل تطبیق با ماده مذکور گردد، حال آن که ضرب و جرح تعریف مشخصی دارند و باید به‌موجب ماده ۷۱۴ ق.م.ا. ۱۳۹۲ حداقل عمل منجر به سرخ‌شدن پوست دیگری شود تا صدق ضرب کند و طبق ماده ۵۶۷ ق.م.ا. ۱۳۹۲ اگر ضربه اثری بر جای نگذارد ضمان منتفی‌ست، بنابراین باید حداقل رفتاری که صدق ضرب کند محقق شود و بعد در

صورت ظهور آثار مندرج در ذیل ماده ۶۱۴ حکم به مجازات با مانعی مواجه نخواهد بود و اگر ضربه هیچ اثری ولو در حد سرخ‌شدن بر جای نگذارد، مصداق ضرب نبوده و عمل تخصصاً از شمول ماده ۶۱۴ خارج بوده و حرف از آثار بعدی، سخنی لغو خواهد بود. باتوجه‌به این که در انتقال ویروس کرونا هیچ‌گاه در بدو امر آثار ضرب یا جرح پدیدار نمی‌شود، به نظر تطبیق عمل با عنوان ماده ۶۱۴ از دقت لازم برخوردار نباشد. البته اگر انتقال ویروس منجر به عوارض داخلی گردد، از آن جایی که قانون‌گذار برای اعضای داخلی بدن نیز دیه و ارش در نظر گرفته، در صورت تعیین خسارت، حکم به ضمان صحیح به نظر می‌رسد.

۲. جرایم حدی قابل ارتکاب بر اثر انتقال ویروس کرونا

بنا بر ظاهر، انتقال ویروس کرونا با هیچ یک از حدود مندرج در قانون مجازات اسلامی عمل انتقال ویروس قابل تطبیق نیست، اما سوای این عدم تحقق نظری و حتی شاید عملی تذکر یک نکته خالی از فایده در این زمینه نیست، و آن جنگ رسانه‌ای دو کشور چین و آمریکا در زمینه منشأ پیدایش ویروس کرونا بود که هر دو کشور یکدیگر را به انتشار ویروس متهم ساختند که همین موضوع ذهن رو به جولان می‌اندازد که اگر ویروس کرونا به‌واقع دست‌ساز باشد و در نتیجه یک جنگ بیولوژیک از سوی یکی از این دو کشور منتشر شده باشد و به همین تناسب توسط کشورهای متخاصم قابل انتقال باشد، فروض جدیدی به وجود می‌آید که در این فرضیه‌ها با حالات جدیدی از جرایم امکان مواجهه وجود دارد، محاربه و افساد فی‌الارض دو عنوانی هستند که تا حدی از جنبه نظری، در این میان تاب ارائه دارند.

۲.۱. افساد فی‌الارض

در خصوص افساد فی‌الارض باید گفت در حالت عادی نمی‌توان انتقال ویروس را مصداق «افساد فی‌الارض» به شمار آورد، اما قانون‌گذار در ماده ۲۸۶ ق.م.ا. نظر به گستردگی عمل و حجم آثار، مواردی را مصداق افساد فی‌الارض می‌داند. اگر ویروس کرونا را بنا بر آن چه گفته شد یک ویروس دست‌ساز بدانیم و بدین ترتیب با فعل‌وانفعالات شیمیایی آن را قابل تولید و توزیع در سطح انبوه بدانیم یا این که دست‌ساز به‌حساب نیآورده؛ ولی امکان انتشار آن را به‌صورت گسترده در کشور محقق بدانیم، آیا از ظرفیت ماده ۲۸۶ ق.م.ا. ۱۳۹۲ که بیان می‌کند:

هرکس به طور گسترده، مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، ... پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک ... یا معاونت در آن‌ها گردد به گونه‌ای که موجب اخلاص شدید در نظم عمومی کشور، ... یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد ... در حد وسیع گردد مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می‌شود

می‌توان استفاده کرد؟ «شاید بتوان این موارد را از مصادیق جرم افساد فی الارض دانست و فرد را به اعدام محکوم کرد؛ صرف‌نظر از این که کسی در اثر ابتلا بمیرد یا خیر» (احسان پور، ۱۳۸۹). زیرا همان‌طور که بیان گردید ویروس چه در فرض دست‌ساز بودن یا چه در حالت طبیعی بودن، وقتی در حجم وسیعی منتشر می‌شود به طور حتم می‌تواند موجب ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد گردد و سه شرط گستردگی عمل، پخش مواد میکروبی (یا ویروسی نظر به خصوصیت نداشتن مواد میکروبی) و ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد در این صورت موجود بوده و عمل مصادق افساد فی الارض می‌باشد. البته باز هم تأکید می‌شود که باتوجه به آن‌چه تا به حال از رسانه‌ها و مقامات کشورها اعلام شده و گستردگی و پاندمی شدن ویروس، فرض انتشار به صورت مذکور در این قسمت دور از ذهن می‌باشد.

۲.۲. محاربه

باتوجه به ماده ۲۷۹ ق.م.ا. ۱۳۹۲ که کشیدن سلاح را در تحقق محاربه شرط دانسته است، انطباق عمل موضوع بحث با جرم محاربه از حیث احتمال وقوع بعید می‌نماید مگر اینکه وسیله انتقال، سلاح‌های میکروبی، بمب‌های شیمیایی و مانند این‌ها باشد که همان‌طور که در مباحث قبلی مطرح گردید دور از ذهن به نظر می‌رسد و در عالم واقع نیز حداقل تا به حال اتفاق نیفتاده است. اما در حد فرض می‌توان مطرح کرد که اگر این امر محقق شد و شخص یا گروهی با استفاده از سلاح‌های شیمیایی یا بیولوژیک اقدام به انتشار ویروس‌های مرگبار چون کرونا کردند به نظر مشکلی در محکومیت آن‌ها به جرم محاربه وجود نداشته باشد، زیرا شرط استفاده از سلاح باتوجه به صدق سلاح به بمب‌ها و اسلحه‌ی شیمیایی و بیولوژیک و میکروبی موجود بوده و مرتکبین با استفاده از سلاح جان مردم را هدف قرار داده و سبب سلب امنیت و ایجاد رعب و وحشت در میان عموم مردم گردیده‌اند که باین‌وصف محکومیت مرتکب یا مرتکبین به جرم محاربه دور از ذهن نخواهد بود.

۳. جرایم تعزیری قابل ارتکاب بر اثر انتقال ویروس کرونا

اگر در جریان انتقال ویروس، مرگ را در میان آثار کرونا ندیده یا کلاً ویروس کرونا را غیرکشنده محسوب کنیم و رفتار با عناوین حدی که تابه‌حال موضوع بحث بوده‌اند قابل تطبیق نباشد با طیفی از عناوین تعزیری در اثر انتقال ویروس کرونا روبه‌رو می‌شویم که در قسمت جرایم تعزیری بر اثر انتقال ویروس کرونا مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۳.۱. جرایم مرتبط مندرج در لایحه قانونی مربوط به مجازات پاشیدن اسید مصوب ۱۳۳۷

مطابق ماده واحده مذکور:

هر کس عمداً با پاشیدن اسید یا هر نوع ترکیبات شیمیایی دیگر موجب قتل کسی شود به مجازات اعدام و اگر موجب مرض دائمی یا فقدان یکی از حواس مجنی علیه گردد، به حبس ابد با اعمال شاقه و یا اگر موجب قطع یا نقصان یا از کار افتادن عضوی از اعضا شود به حبس مجرد از دو تا ۱۰ سال و اگر موجب صدمه دیگری شود به حبس از ۲ تا ۵ سال محکوم خواهد شد.

چنانچه، زوایای پنهان ویروس کرونا مشخص گردد و از لابه‌لای آن بتوان ثابت نمود، این ویروس یک ویروس دست‌ساز آزمایشگاهی می‌باشد به‌ویژه باتوجه‌به شباهت عوارض ویروس در افراد مختلف، به نظر می‌رسد بتوان از ظرفیت این ماده استفاده کرد و اشخاصی را که متعمدانه اقدام به پخش ویروس بین مردم نموده‌اند در مواردی مثل حالتی که فرد از طریق محلول‌پاش اقدام به انتشار ویروس در هوای مورد تنفس دیگران کرده است را طبق این ماده و عنوان مجرمانه محکوم نمود. البته اگر فرض مذکور به اثبات رسید و مشخص گردید عده‌ای به‌خاطر مطامع سیاسی یا اقتصادی اقدام به انتشار این ویروس مرگبار کرده‌اند قطعاً نباید در محکومیت این افراد به جرم علیه بشریت و اعمال اصل صلاحیت جهانی در خصوص آن‌ها تردیدی به خود راه داد.

۳.۲. تهدید علیه بهداشت عمومی

در فقه برای کسانی که مقررات بهداشتی را رعایت نمی‌کنند کیفری در نظر گرفته نشده؛ اما اگر عمل به حد اخلال و افساد برسد امکان صدور حکم به مجازات همان‌طور که بیان گردید

وجود دارد (محمودی، ۱۳۹۹: ۲۱۴). برخی انتقال ویروس بیماری کشنده به فرد دیگر را مصداق تهدید علیه بهداشت عمومی موضوع ماده ۶۸۸ ق.م.ا. ۷۵ می‌دانند (سفلی، ۱۳۹۰). اما این نظر شاید صحیح نباشد؛ زیرا آن چه از بهداشت به‌ویژه باتوجه‌به مصادیق ذکر شده در ماده به ذهن متبادر می‌شود مقوله‌ای به‌عنوان مقدمه سلامتی می‌باشد. بهداشت به معنای فعالیت‌های پیشگیرانه اعم از فعل یا ترک فعل در جهت حفظ یا ارتقای سلامت بشر می‌باشد (Aiello & Larson & Sedlak, 2008: 65). بهداشت در دو حوزه فردی و عمومی مدنظر می‌باشد. بهداشت فردی به فعالیت‌های خودمراقبتی در ارتباط با پاکیزگی بدن و اشیای شخصی جهت حفظ سلامتی بدن اطلاق می‌شود (Department of Health, 2001). بهداشت عمومی نیز شامل فعالیت‌های دگر مراقبتی پیشگیرانه در ارتباط با پاکیزگی اشیای عمومی در جهت حفظ و ارتقای سلامت بشر می‌باشد (حاتمی و همکاران، ۱۳۹۲، ج ۱: ۱). به نظر می‌رسد، انتقال ویروس تهدید علیه سلامتی است نه علیه بهداشت، منتهای مراتب اگر بتوان فرض نمود میکروب یا ویروس بنا بر دلایل مختلف از جمله ضعیف‌بودن نوع آن توان بیمار نمودن فرد دیگری را نداشته باشد؛ درعین‌حال در سطح جامعه ولو به‌صورت محدود پخش گردد؛ این اقدام را می‌توان در صورت وجود سایر شرایط به‌عنوان تهدیدی علیه بهداشت عمومی تلقی و مرتکب آن را به مجازات مقرر در ماده ۶۸۸ ق.م.ا. ۷۵ محکوم نمود. هرچند بهداشت مقدمه‌ی سلامتی محسوب شده و انتقال ویروس اقدامی علیه سلامتی افراد بوده نه یک اقدام غیربهداشتی اما پرواضح است که در صورت وجود خلأ قانونی در محکومیت افراد، باتوجه‌به این که اقدام علیه سلامتی افراد به‌طریق‌اولی از اقدام علیه بهداشت خطرناک‌تر می‌باشد، به نظر بتوان حداقل از ظرفیت این ماده استفاده کرد و فرد را طبق ماده مذکور مجازات نمود، مثل برگزاری همایش‌ها در اوج کرونا، البته در این‌گونه تجمعات و در نتیجه ابتلای سایرین به کرونا و مرگ مبتلایان عده‌ای فارغ از عنوان مورد بحث یعنی تهدید علیه بهداشت عمومی، با توسل به عناوین مباشر و سبب، قائل به نقش سبب برای برگزارکننده مراسم هستند (محمدی جورکویه، ۱۳۹۹: ۲۱۴) و برگزارکننده‌ی مراسم را در فرض فوت دیگران بر اثر انتقال ویروس، مسبب مرگ قلمداد می‌کنند که این تصور ناموجه می‌نماید، زیرا تمامی افراد با علم و آگاهی پای به تجمعات می‌نهند و کسی که دانسته یا ندانسته با وجود

آلوده و ناقل بودن به ویروس در این محیط‌ها حاضر می‌شود مسبب انتقال ویروس به دیگران است و عامل برگزاری همایش نقشی بیش از شرط انتقال نخواهد داشت.

۳.۳. جرایم مندرج در قانون طرز جلوگیری از بیماری‌های آمیزشی و واگیردار

در قانون طرز جلوگیری از بیماری‌های آمیزشی و واگیردار دو عنوان مجرمانه مرتبط با انتقال ویروس کرونا وجود دارد. ابتدا در ماده ۲۲ چنین مقرر شده است که: «اشخاصی که مانع اجرای مقررات بهداشتی می‌شوند یا در اثر غفلت باعث انتشار یکی از بیماری‌های واگیردار می‌شوند به هشت روز تا دو ماه حبس تأدیبی و پنجاه و یک تا پانصد ریال و یا به یکی از این دو کیفر محکوم می‌شوند»

در این ماده رفتار مجرمانه، برای تحقق جرم انتقال ویروس، منع اجرای مقررات بهداشتی یا غفلت در عمل به موازین و مقررات بهداشتی است، صرف غفلت در انتشار بیماری واگیردار برای تحقق جرم کافی است.

عنوان مجرمانه‌ی دیگر، انتقال بیماری واگیردار از طریق آمیزش، مذکور در ماده ۹ قانون مورد اشاره است، در این ماده آمده:

هر کس بداند که مبتلا به بیماری آمیزشی واگیر بوده و یا آن که اوضاع و احوال شخصی او طوری باشد که بایستی حدس بزند که بیماری او واگیر است و به واسطه آمیزش او، طرف مقابل مبتلا شود و به مراجع قضایی شکایت کند مبتلا کننده به حبس تأدیبی از سه ماه تا یک سال محکوم می‌شود

نکته قابل توجه این که برای مجرم محسوب کردن مرتکب نفس آمیزش کفایت نکرده و باید علاوه بر آن انتقال هم صورت گرفته باشد؛ یعنی جرم به‌مانند مصادیق مذکور در ماده ۲۲، مقید به نتیجه بوده و لزوماً انتقال باید صورت گرفته باشد به‌عبارت‌دیگر رابطه استناد بین فعل و نتیجه که همانا انتقال و حدوث بیماری هستند، موجود باشد.

از طرف دیگر این حکم اختصاص به حالتی دارد که انتقال ویروس از طریق فرایند آمیزش صورت گرفته باشد و ارتباطی به سایر راه‌های انتقال ویروس ندارد، البته این حکم در بیماری کرونا که سرایت آن راحت و سریع‌تر بوده و میزان آسیب‌رسانی و کشندگی آن بیشتر است،

شدت و غلظت بیشتری دارد (هونگ، ۱۳۹۸: ۲-۳) و می‌توان به‌موجب این ماده او را محکوم به حبس مندرج در ماده البته با رعایت محدودیت‌های مجازات‌های جایگزین حبس نمود.

۴. نتیجه‌گیری

برخورد با ناقلین ویروس کرونا و مجازات عاملین ابتلای دیگران به این ویروس در مواردی امری اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. جرم‌انگاری انتقال ویروس کرونا با توجه به سویه‌های مختلف این ویروس و عوامل و آثار مختلف و بدیع ناشی از پیدایش این ویروس، امری لازم و ضروری است. در حال حاضر با توجه به مواد ۲۹۰ و ۴۹۲ قانون مجازات اسلامی ۹۲ قانون‌گذار ارتکاب قتل عمدی چه به مباشرت و چه به تسبیب از جمله قتل بر اثر انتقال ویروس را پذیرفته و این منطبق با نظر اکثر فقها می‌باشد؛ بنابراین اگر انتقال ویروس کرونا منجر به مرگ فرد مبتلا شود، عمل قتل محسوب شده و بسته به رکن روانی مرتکب، عمدی، شبه عمدی یا خطای محض محسوب می‌گردد. بر فرض غیرکشنده بودن ویروس کرونا و یا مطرح نبودن مرگ فردی بر اثر انتقال ویروس، جرایمی چون تهدید علیه بهداشت عمومی محقق می‌گردند. البته با بررسی قوانین به نظر می‌رسد در برخی موارد منظور مقنن متوجه راه یا ابزار انتقال بوده و به تبع شیوه یا وسیله انتقال واکنش‌های متفاوتی را برای ناقل مدنظر قرار داده است. به‌عنوان مثال می‌توان به انتقال ویروس از طریق پاشیدن ترکیبات شیمیایی، مطابق قانون مربوط به پاشیدن اسید مصوب ۱۳۳۷ یا از طریق آمیزش مطابق ماده ۹ قانون طرز جلوگیری از بیماری‌های آمیزشی و واگیردار اشاره نمود. در پایان، به نظر می‌رسد قانون‌گذار هر چه سریع‌تر باید به ابعاد حقوقی مربوط به انتقال و انتشار کرونا توجه دقیق نشان دهد تا از تحلیل‌ها و تفاسیر متعدد در آینده توسط جامعه حقوقی پرهیز و از معضل احتمال برخورد با پرونده‌های مشابه کرونا یا سایر بیماری‌های واگیردار که شاید با خلأ قانونی مواجه گردند جلوگیری کند.

منابع

- آقای نیبا، حسین (۱۳۹۲)، *جرایم علیه اشخاص*، تهران: نشر میزان.
- الهی منش، محمدرضا؛ مرادی اوجقاز، محسن (۱۳۹۲)، *جرائم علیه اشخاص*، تهران: انتشارات مجد.
- حسنی، نجیب (۱۳۹۲)، *شرح قانون العقوبات القسم الفاس*، قاهره: دار النهر العربیه.
- صادقی، محمدهادی (۱۳۸۷)، *جرایم علیه اشخاص*، تهران: نشر میزان.
- شامببائی، هوشنگ (۱۳۸۴)، *حقوق کیفری اختصاصی*، ج ۱، تهران: انتشارات مجد.
- شاکری، ابوالحسن؛ مرادی کندلانی، اسفندیار (۱۳۸۸)، *بررسی امکان ارتکاب قتل عمدی از طریق ترک فعل در فقه و حقوق کیفری*، فقه و مبانی حقوق اسلامی، دفتر ۱.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۸)، *الزامهای خارج از قرارداد مسئولیت مدنی*، ج ۱، چ ۶، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- محقق حلّی، نجم‌الدین (۱۴۰۳ق)، *شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، چاپ چهارم، تهران: انتشارات استقلال.
- مصدق، محمد (۱۳۹۷)، *تحول حقوق کیفری در قتل شبه‌عمد و خطای محض از منظر قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲*، ماهنامه دادرسی، شماره ۱۲۸، سال ۲۲.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۹)، *مجموعه استفتائات جدید*، چاپ اول، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی‌طالب 
- عوده، عبدالقادر (۱۴۰۵)، *التشريع الجنایی الاسلام*، ج ۱، چ ۹۶، بیروت: انتشارات مؤسسه الرساله.
- فروغی، فضل‌الله و همکاران (۱۳۹۴)، *نحوه‌ی احراز مسئولیت کیفری در بیماری‌های واگیردار*، فصلنامه حقوق پزشکی، سال نهم، شماره ۳۵.
- مرعشی، سید محمدحسن (بی‌تا)، *حقوق کیفری*، بحثی پیرامون مقاله قتل عمد، شبه‌عمد و خطا محض و نکاتی چند درباره این مفاهیم، بی‌جا: بی‌نا.
- شهید ثانی (بی‌تا)، *شرح لمعه*، کتاب القصاص، بیروت: دارالمعارف.
- حر عاملی (بی‌تا)، *وسائل‌الشیعه*، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- صادقی، محمدهادی (۱۳۸۲)، *حقوق جزای اختصاصی*، چ ۲۰، تهران: انتشارات میزان.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۹۰ق)، *تحریرالوسیله*، النجف الاشرف: مطبعه الآداب.
- میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۸۹)، *جرایم علیه اشخاص*، تهران: انتشارات میزان.

- احسان‌پور، سید رضا (۱۳۸۹)، بررسی امکان تطبیق عنوان محاربه بر انتقال گسترده ویروس ایدز؛ فصلنامه فقه پزشکی، سال دوم، شماره ۳ و ۴، تابستان و پاییز.
- سفلیبی (۱۳۹۰)، هشتگرد، قابل دسترسی در وبگاه دادگستری به نشانی:
<http://www.dadgostari.com>, Accessed December 13, 2011
- مصیبی، محمدمامین (۱۳۹۳)، مسئولیت کیفری ناشی از انتقال ویروس مولد ایدز، قابل دسترسی در:
<http://www.mosayebi-law.blogfa.com/post-20.aspx>
- شمس ناتری، محمدابراهیم و همکاران (۱۳۹۵)، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، چاپ سوم، تهران: نشر میزان.
- احسانی‌فر، رضا (۱۳۹۹)، ابعاد فقهی و حقوقی بیماری‌های واگیر خطرناک و سریع‌الانتشار از منظر قاعده‌ی وجوب دفع ضرر محتمل، ویژه‌نامه پژوهش‌نامه‌ی حقوق اسلامی، شماره ۶۴، سال هفدهم، بهار ۱۳۹۹.
- عاملی، محمد بن مکی (شهید اول) (بی‌تا)، القواعد و الفوائد، تحقیق سید عبد الهادی حکیم، قم: کتاب‌فروشی مفید.
- محمودی، اکبر (۱۳۹۹)، عدم رعایت بهداشت در برابر بیماری‌های واگیردار (به‌ویژه کرونا) از نگاه فقه و حقوق، ویژه‌نامه پژوهش‌نامه‌ی حقوق اسلامی، شماره ۶۴، سال هفدهم، بهار ۱۳۹۹.
- محمدی جورکویه، علی (۱۳۹۹)، مسئولیت ناشی از انتقال بیماری واگیر و ویروس، ویژه‌نامه پژوهش‌نامه‌ی حقوق اسلامی، شماره ۶۴، سال هفدهم، بهار ۱۳۹۹.
- هوشمند فیروزآبادی، حسین (۱۳۹۹)، امکان‌سنجی رفع مسئولیت مدنی ناقلان بیماری‌های همه‌گیر در پرتو قاعده تحذیر، ویژه‌نامه پژوهش‌نامه‌ی حقوق اسلامی، شماره ۶۴، سال هفدهم، بهار ۱۳۹۹.
- پارسای، سوسن و همکاران (بی‌تا)، تماس زودرس با بیمار، تهران: دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی.
- هادی، مهدی (۱۳۹۸)، کرونا ویروس جدید، تهران: دانشگاه علوم پزشکی تهران.
- حاتمی، حسین و همکاران (۱۳۹۲)، کتاب جامع بهداشت عمومی، چاپ سوم، تهران: دانشگاه علوم پزشکی بهشتی.
- مصطفوی، سید محمد کاظم (۱۴۱۷ق)، القواعد، چاپ سوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- روشن، محمد و محمد صادقی (۱۳۹۰)، ضمان ناشی از انتقال بیماری جنسی، مجله فقه پزشکی، شماره هفت و هشت، تابستان و پاییز ۱۳۹۰، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- یزدانیان، علیرضا (۱۳۹۱)، طرح مسئولیت مدنی آموزگار ناشی از عمل دانش‌آموز در حقوق ایران با مطالعه تطبیقی حقوق فرانسه، مجله‌ی دانش حقوق مدنی، شماره‌ی یک، بهار و تابستان ۱۳۹۱.

- یزدانیان، علیرضا و مریم ثقفی (۱۳۹۳)، *مسئولیت مدنی بیماران مبتلا به بیماری‌های واگیردار*، مجله آموزه‌های فقه مدنی، شماره ۱۰، پاییز و زمستان ۱۳۹۳.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۹ق)، *احکام پزشکی*، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی‌طالب علیه السلام
- هونگ، جانگ ون (۱۳۹۸)، *دستورالعمل عمومی پیشگیری از ابتلا به ویروس کووید ۱۹ (کرونا ویروس جدید)*، ترجمه امین بذرافشان و همکاران، شانگهای: انتشارات علم و فناوری شانگهای.
- مصاحبه با وزیر بهداشت دکتر نمکی مشاهده شده در تاریخ ۱۴۰۰/۳/۱۷ در وبگاه: <https://www.mehrnews.com/news/5161198>
- شمس ناتری، محمدابراهیم (۱۳۹۵)، *تقریرات دوره دکتری درس جزای عمومی*، قم: پردیس فارابی دانشگاه تهران.
- _____ (۱۳۹۹)، *مصاحبه با عنوان: بررسی مرگ ناشی از انتقال ویروس کرونا از منظر حقوق کیفری*، مشاهده شده در تاریخ ۱۴۰۰/۳/۱۷ در وبگاه: <https://www.hawzahnews.com/news/903060>
- <https://iqna.ir/fa/news/3886713/1400/03/09>
- <https://www.55online.news/fa/tiny/news-144765>
- Yuliya Talmazan (2020), "Deadly coronavirus likely to spread, China warns as U.S. prepares to evacuate staff", NBC News, Retrieved 2020-01-26.
- Faith Karimi; Elliott C. McLaughlin (2020), "A fourth case of coronavirus is confirmed in the US as China struggles to contain outbreak", CNN, Retrieved 2020-01-26.
- Schnirring, Lisa (2020), "Doubts rise about China's ability to contain new coronavirus", CIDRAP, Retrieved 26 January 2020.
- Saey, Tina Hesman (24 January 2020), "How the new coronavirus stacks up against SARS and MERS", Archived from the original on 25 January 2020. Retrieved 25 January 2020.
- Schep J. Criminal Law. 1th ed, U S: International Publishing Company; 1999.p.73.
- AFAO position, criminal prosecution of HIV transmission, www.afao.org.au
- Aiello AE/Larson EL/Sedlak R, Personal health: Bringing good hygiene home, *Am J Infect Control*, 36 (10), 2008, pp152-165.
- Department of Health, *Essence of Care: Patient-Focused Benchmarking for Health Care Practitioners* London: The Stationery Office, 2001.